

تحلیل و اثبات روی کرد متن محور در نظریه پردازي های مجله لبنانی شعر با تکیه بر اندیشه های ادونیس

فرشید ترکاشوند^۱

تاریخ دریافت: ۸۹/۱/۲۰

تاریخ تصویب: ۹۰/۱۰/۱۸

چکیده

مجله لبنانی شعر به عنوان یک جنبش نوگرایی ادبی و نقدی در عرصه شعر و ادب معاصر عرب، در فعالیت های نوگرایانه خود، روی کردی ضد رئالیستی داشته است. این جنبش از ارجاع به برون متن (ایدئولوژی، سیاست، جامعه و...) خودداری می کند و در کل، گرایش های درون متنی و متن محور دارد. چنین گرایش هایی، در مبانی نظری جنبش ادبی فرمالیسم روس نیز دیده می شود. مجله شعر، همانند فرمالیسم روس، در پی آن بوده است که به ادبیات و مطالعات ادبی، جایگاهی مستقل ببخشد و این روی کرد، با برخی گرایش های فکری آن - که بیشتر ترسیم سوررئالیسم و فراواقعیت است - پیوند خورده است. این جریان در راستای هدف های خود و در تناسب با سوررئالیسم و روی کردهای ماوراءطبیعی اش، به زبان مجاز گرایش بسیار داشت و این مسئله، یکی دیگر از نقاط مشترک آن با فرمالیسم روس، یعنی تمایز زبان ادبی با زبان معیار را اثبات می کند. عامل اصلی در ایجاد این

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) Torkashvand_Farshid@yahoo.com

تمایز، مسئله ادبیت است که از ره گذر آشنایی زدایی در لایه های فرمی و ساختاری حاصل می شود. ادبیت و آشنایی زدایی، از دیگر مسائل مورد تأکید این دو جنبش به شمار می رود و چنین مواردی تحلیل و اثبات روی کرد متن محور در نظریه پردازی های مجله شعر را در چهارچوب نظری قرار می دهد.

واژه های کلیدی: مجله لبنانی شعر، فرمالیسم روس، متن محوری، فراواقعیت.

۱. مقدمه

با مطالعه ای کوتاه در حوزه های تاریخ ادبیات و نقد ادبی معاصر عرب درمی یابیم که جنبش های ادبی و جریان هایی همچون آپولو، الدیوان، و مهجر شمالی و جنوبی، نوگرایی و رونق ادبی را اصلی ترین هدف خود قرار داده اند. مجله لبنانی شعر به عنوان جریانی تأثیرگذار، نوگرایی را به منزله اصلی ترین هدف خود، اما به گونه ای متفاوت و در ارتباطی بیشتر با حوزه های شعر، نقد ادبی و ادبیات غرب دنبال کرده است.

هدف از این پژوهش، دست یافتن به ویژگی بارز این نوگرایی، یعنی روی کرد متن محور در نگرش کلی این جنبش است. از ره گذر تحلیل و اثبات روی کرد متن محور در نظریه پردازی های این جریان، علاوه بر روشن شدن چگونگی نوگرایی در آن، مفاهیمی همچون التزام و کارکرد شعر، فراواقعیت و بازتولید واقعیت، تمایز زبان ادبی با زبان معیار، و ادبیت و آشنایی زدایی از نگاه این جریان بررسی خواهد شد؛ اما ویژگی شاخص این پژوهش، بهره گیری از مبانی نظری جنبش فرمالیسم روس در طول کار است؛ زیرا مبانی این جنبش را به عنوان چهارچوب نظری و تکیه گاهی برای اثبات فرضیه ها به کار گرفته ایم.

تاکنون هیچ پژوهش مستقل و جامعی درباره مجله لبنانی شعر، در داخل کشور صورت نگرفته و از میان اعضای برجسته این مجله، تنها درباره ادونیس، پژوهش هایی انگشت شمار انجام شده

است. پژوهش‌های صورت گرفته درباره این شخص، بیشتر به تبیین دیدگاه‌های فکری و ادبی او اختصاص یافته‌اند و گاه نیز در آن‌ها، بررسی پدیده‌ای همچون رمز یا اسطوره، با نگاهی سنتی در اشعار وی مورد نظر بوده است. نگاه نگارندگان این پژوهش‌ها با رویکرد ما در این پژوهش تفاوت بسیار دارد و نکته مهم‌تر، آن است که این پژوهش‌ها روش‌شناسی و روند اثبات‌گرایی ندارند.

در خارج از ایران، در پی جستجوهای فراوان، گذشته از برخی مطالب پراکنده و گزارشوار در برخی کتاب‌های حوزه نقد، دو کتاب به مجله شعر و فعالیت‌های آن پرداخته‌اند:

نخست کتاب *قضايا النقد والحداثة: دراسة في التجربة النقدية لمجلة (شعر) اللبنانية*، اثر ساندی سالم ابوسیف که در سال ۲۰۰۵، انتشارات المؤسسة العربیه بیروت آن را چاپ کرده است. ما هرگز قصد نداریم چیزی از ارزش این کتاب بکاهیم؛ اما شایان ذکر است که این کتاب، تنها گزارشی منظم از فعالیت‌های مجله شعر، تنها در سطح نظری است. این کتاب، روش‌شناسی و روند اثبات‌گرا ندارد؛ حال آنکه در پژوهش حاضر، ضمن استفاده از روش‌شناسی خاص، فرضیه‌ها را در چهارچوب مبانی نظری مورد نظر اثبات کرده‌ایم.

دومین کتاب، *افق الحداثة و حدائث النمط: دراسة في حدائث مجلة شعر، بيئه و مشروعاً و نموذجاً*، اثر سامی مهدی است که انتشارات آفاق عربیه در سال ۱۹۸۸، آن را در بغداد چاپ کرده است. این کتاب در آغاز و در قالب یک فصل، گزارشی از فعالیت‌های مجله شعر را ذکر کرده و سپس به شیوه‌ای ناعادلانه، به رد نظریه قصیده‌النثر و همچنین محکوم کردن نظریه‌پردازی‌های ادونیس روی آورده است. داوری نویسنده این کتاب درباره فعالیت‌های مجله شعر، علمی و اصولی نبوده است. این کتاب نیز روش‌شناسی، چهارچوب نظری و روند اثبات‌گرایی ندارد و نوع نگاه نویسنده‌اش سنتی و به کلی متفاوت از رویکرد ما در این مقاله است.

شایان ذکر است که در پژوهش حاضر، به شیوه استنادی-تحلیلی، موضوعی جزئی، یعنی رویکرد متن‌محور را به صورتی مختصر، در نظریه‌پردازی‌های این جریان بررسی کرده‌ایم و به دنبال پاسخ گفتن به دو سؤال اساسی بدین شرحیم:

- گرایش های آزادمنشانه مجله شعر و روی کردهای فراواقعیتی آن، چگونه به ایجاد ساختارهای فکری مستقل می انجامد؟
- استقلال محتوایی چگونه در فرم متن نمود یافته است و فرم و به ویژه ساختار زبانی، در آفرینش متن مستقل و به وجود آمدن روی کرد متن محور چه نقشی دارد؟
- در پاسخ به پرسش های بالا، فرضیه های زیر را مطرح کرده و در طول پژوهش کوشیده ایم تا آن ها را اثبات کنیم.
- گرایش های آزادمنشانه مجله شعر سبب شده است که این مجله، با روی آوردن به فراواقعیت، سوژه محوری را از اندیشه های خویش کنار زند و با وارد کردن چنین گرایش هایی به عرصه متن، سرانجام، روی کردی اَبژه محور را در اندیشه های خود به کار گیرد. روی کردهای اَبژه محور نیز در نهایت استقلال، هسته های فکری و محتوایی را پدید آورده اند.
- انعکاس چنین روی کردهایی در متن موجب شده است فرم و به ویژه زبان، به جنبه های مجازی گراید و بر این اساس، زبان مجاز و آفرینش های زبانی شاعر، مورد توجه شاعران و نظریه پردازان مجله شعر قرار گیرد.

۲. مجله لبنانی شعر و مبانی نظری آن

در آغاز این بخش، مجله لبنانی شعر را به صورت مختصر معرفی کرده و سپس به ره یافت فرمالیسم روس پرداخته ایم تا با بهره گیری از مبانی این ره یافت، روی کرد متن محور را در نظریه پردازای های مجله شعر تحلیل و اثبات کنیم. شایان ذکر است که علت گزینش این ره یافت از ره گذر اثبات گرایی، در طول پژوهش، روشن خواهد شد.

مجله لبنانی شعر را یوسف الخال، شاعر لبنانی سوری تبار، در سال ۱۹۵۷ میلادی تأسیس کرد. وی به سبب آشنایی با فعالیت های شاعران مدرنیست امریکایی در حوزه شعر و نقد شعر در دوران اقامت خود در ایالات متحده آمریکا و همچنین به علت تأثیر پذیری از مجله امریکایی Poetry - که در سال ۱۹۱۲ میلادی، ازرا پاند (۱۸۸۵ تا ۱۹۷۲)، شاعر و منتقد امریکایی آن را تأسیس کرده بود -

در همان دوران، به فکر انتشار مجله شعر در بیروت افتاد (اماتاییس السالسی، ۲۰۰۴: ۱۴۶) و نخستین شماره آن را در سال ۱۹۵۷ میلادی چاپ رساند (خیریک، ۱۹۸۶: ۶۴).

در مجله شعر، شاعران، ادیبان و نظریه پردازان بسیاری علاوه بر یوسف الخال، مؤسس این مجله فعالیت می کردند که از جمله آنها می توان این افراد را نام برد: ادونیس^۱؛ آنسی الحاج^۲؛ نذیر عظمه^۳؛ شوقی ابوشقرا^۴؛ محمد الماغوط^۵؛ عصام محفوظ^۶ و... (سالم ابوسیف، ۲۰۰۵: ۱۶).

شاعران و نظریه پردازان مجله شعر، برای گسترش فعالیت های خود، جلسه هایی هفتگی را برگزار می کردند که شرکت شاعران و پژوهشگران عرصه شعر و ادبیات در آنها آزاد بود. این جلسه ها عصر پنجشنبه هر هفته تشکیل می شد و به «ندوه مجله شعر» (نشست مجله شعر) و «خمیس شعر» (پنجشنبه شعر) معروف شد (خیریک، ۱۹۸۶: ۶۴).

دغدغه اصلی مجله شعر و به ویژه بنیان گذارش، یوسف الخال، نوگرایی بود. یوسف به عنوان عضو پیش تاز این جنبش می کوشید تا نوگرایی را در شعر عرب، از لحاظ نظری و عملی، همسو با مدرنیسم شعری غرب قرار دهد و از یافته های ادبیات غرب، برای پیش رفت شعر عربی بهره گیرد؛ همچنین در پی آن بود که روی کردهای انسان شناختی و فلسفی شاعر عرب را با روی کردهای شاعر مدرنیست غرب یکسان کند (ثامر، ۱۹۸۷: ۱۹۵).

بی تردید، مجله شعر، نوگرایی را هدف اصلی خود می دانست و همان گونه که گفتیم، برای دست یافتن به آن، مدرنیسم شعری غرب را الگوی خود قرار داده بود. این جریان با ادبیات و شعر جهان، مرتبط بود، در این راه، بیشتر گرایش های آزادمنشانه، زیبایی شناختی و درکل، ضد رئالیستی داشت و تحت تأثیر پیش تازان این گرایش ها، یعنی کسانی همچون تی. اس. الیوت، ازرا پاند و سن ژون پرس بود (الخضراء الجیوسی، ۲۰۰۸: ۶۵۲).

۱. شاعر و متفکر لبنانی سوری تبار (۱۹۳۰)

۲. شاعر و منتقد لبنانی (۱۹۳۷)

۳. شاعر و ادیب سوری (۱۹۳۰)

۴. شاعر لبنانی (۱۹۳۵)

۵. شاعر و ادیب سوری (۱۹۳۴ تا ۲۰۰۶)

۶. شاعر و نمایش نامه نویس لبنانی (۱۹۳۹ تا ۲۰۰۶)

همان گونه که می دانیم، جهان عرب در دوره معاصر، از نظر اوضاع سیاسی، شاهد دگرگونی هایی گسترده بوده است و شاعران، نویسندگان و جنبش های ادبی، با توجه به هدف های خود، در برابر این اوضاع و احوال، واکنش هایی مختلف نشان داده اند. در این وضعیت، هر کدام از مجله های ادبی به دنبال دفاع از جریان یا جنبشی خاص بودند و به نوعی، شعر و ادبیات را با ایدئولوژی و سیاست درآمیختند. در این هنگام، مجله شعر با گرایش های استقلال طلبانه خویش می کوشید تا به شعر و ادب، جایگاهی مستقل بدهد و بدین صورت، درست در مقابل مجله لبنانی *الآداب* قرار گرفت که با ایدئولوژی و سیاست درآمیخته بود (سالم ابوسیف، ۲۰۰۵: ۳۱).

این جریان، به صورتی جدید و متفاوت، به کارکرد شعر می نگرست و نگاهش به این مسئله، ازسویی، با استقلال در برابر جریان های سیاسی پیوند می خورد و از سوی دیگر، با التزام از دیدگاه آنان و نیز ترسیم فراواقعیت و سوررئالیسم.

درباره نگاه نو به کارکرد شعر، این گروه، شعر را حاصل رویا و نیروی خیال می دانستند و رویا را نیرویی انسانی به شمار می آوردند که از انعکاس واقعیت سر می بیچد و فراواقعیت و جنبه های ماوراءطبیعی را در شعر ترسیم می کند (سالم ابوسیف، ۲۰۰۵: ۴۹ تا ۵۵).

درسایه چنین روی کردهایی، در ساختارهای محتوایی این جریان، التزام به عنوان یکی از مباحث چالش برانگیز مطرح شد. در اینجا برای روشن شدن مطلب، دو سؤال اساسی را مطرح می کنیم: نخست اینکه آیا جریان مورد نظر التزام دارد یا خیر؛ دوم اینکه اگر التزام دارد، این التزام به چه چیز و چگونه صورت می گیرد. پاسخ دادن به این گونه سؤال ها، به نوعی با مباحثی همچون کارکرد شعر، گرایش های ماوراءطبیعی، کارکرد رویا و نیروی خیال، و سرانجام روی کرد متن محور گره می خورد که در این پژوهش، بدان خواهیم پرداخت.

۳. جایگاه مجله لبنانی شعر، هدف ها و نقش آن در روند نوگرایی

درباره جایگاه مجله شعر در عرصه شعر و نقد ادبی معاصر عرب می توان گفت این مجموعه، تنها یک مجله ساده نیست و فعالیت های اعضای آن، جنبش ادبی ای مهم و مؤثر به شمار می رود. فعالیت های گوناگون این مجله در حوزه نقد شعر معاصر عرب موجب شده است برخی منتقدان،

آن را مکتبی شعری قلمداد کنند. یوسف الخال، بنیان‌گذار این مجله و ادونیس، از برجسته‌ترین اعضای آن، حتی موافق نبودند که این مجله، مکتبی شعری نامیده شود؛ زیرا در نظر آنان، مکتب‌نامیدن این جنبش، مستلزم آن است که اصولی از پیش تعیین شده برای آن تنظیم شده باشد و این مسئله، دامنه فعالیت‌های جنبش را محدود می‌کند. در نگاه آنان، جنبش شعر، جریانی است که از نظر ادونیس، در عمق هستی ریشه دارد و می‌کوشد تا در سرنوشت جهان شریک شود (اماتایس السالسی، ۲۰۰۴: ۱۴۶).

این مجله و فعالیت‌های گروه مرتبط با آن، با توجه به فعالیت‌ها و نظریه‌پردازی‌های نوگرایانه‌اش در حوزه شعر معاصر، جریانی چالش‌برانگیز و مؤثر به‌شمار می‌رود. در این پژوهش، از ره‌گذر تحلیل مقایسه‌ای مهمترین مبانی نظری این جریان با برخی معیارهای جنبش فرمالیسم روس، این مطلب روشن خواهد شد.

ممکن است این سؤال مطرح شود که انگیزه نگارنده از مهم‌دانستن این جریان و تحلیل مقایسه‌ای آن با جنبش فرمالیسم روس چیست. در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت علاوه بر اثبات روی کرد متن‌محور در نظریه‌پردازی‌های اعضای مجله شعر، اهمیت فعالیت‌های اعضای آن، از خلال تحلیل‌های مقایسه‌ای و روی کرد به کار گرفته شده از سوی نگارنده، آشکار می‌شود و در پی چنین مقایسه‌هایی، فعالیت‌های این جریان در برابر برخی معیارهای مدرنیسم شعری و نقد مدرن (فرمالیسم روس) محک زده می‌شود.

از میان اعضای این مجله، بیشتر، اندیشه‌های ادونیس را تحلیل و بررسی کرده‌ایم؛ زیرا مطالعه کتاب‌ها و مقاله‌های مرتبط با این جریان، نشان می‌دهد که فعالیت‌های ادونیس در مجله شعر، بیش از دیگران است. نام این شاعر و نظریه‌پرداز در حوزه فعالیت‌های مجله شعر، بسامدی بیشتر دارد و به نوعی، مجله شعر، با نام او شناخته می‌شود. از سویی دیگر، فعالیت‌های وی تنها به این مجله محدود نمی‌شود و از همه مهم‌تر، انتخاب او و تحلیل اندیشه‌هایش، با فرضیه‌های پژوهش، بیشتر تناسب دارد.

بیانیه یوسف الخال درباره آینده شعر لبنان - که در واقع، نخستین بیانیه مجله شعر به شمار می رود، بهترین سند برای تشریح هدف های این مجله است. مفاد این بیانیه در ده بند بدین شرح خلاصه می شود:

الف) بیان حقایق زندگی بشر به همان گونه ای که شاعر با تمام وجود، یعنی با فکر و قلبش آن را درک می کند؛

ب) به کارگیری تصویرهای ذهنی و توصیفی زنده؛

ج) استفاده از تعبیرها و واژه های جدید برخاسته از تجربه شاعر و زندگی مردم به جای تعبیرها و واژه های ناپویا؛

د) نوسازی ایقاع شعر عربی و همسان سازی آن با مضمون های جدید. در این حالت، هیچ گونه الزامی برای استفاده از عروض قدیم وجود ندارد؛

ه) در ساختار قصیده باید به هماهنگی تجربه و عاطفه توجه کرد؛ نه پیوستار فکری و منطقی؛
و) انسان با همه دردها و شادی ها، خطاها و پشیمانی ها، آزادگی و بندگی، کوچکی و بزرگی، و در زندگی و مرگش، موضوع اول و آخر است. هر تجربه ای که محورش انسان نباشد، پست و ساختگی است و شعر ماندگار و عظیم بدان توجهی نمی کند؛

ز) آگاهی از میراث معنوی و فکری عرب، درک حقیقی آن و ارزیابی اش به همان شکلی که هست؛

ح) کاوش عمیق در میراث معنوی و فکری اروپا، فهم آن و برقراری ارتباط دوسویه با آن؛

ط) بهره گیری از تجربه های شعری ادیبان جهان؛

ی) در آمیختن با روح مردم به جای طبیعت؛ زیرا مردم چشمه ای از زندگی هستند که خشک نمی شود و در مقابل، طبیعت، عنصری آنی و نابودشدنی است (خیربک، ۱۹۸۶: ۶۸ و ۶۹).

تا اینجا، هدف های را ذکر کردیم که یوسف الخال در آغاز تأسیس مجله شعر در نظر داشت. حال، این مسئله که اعضای این مجله، چقدر در رسیدن به این هدف ها موفق بوده اند، سؤالی است که پاسخش در این مجال نمی گنجد؛ با وجود این، یوسف الخال در پایان سال چهارم تأسیس مجله، برخی دستاوردهای آن را بدین شرح برشمرده است:

الف) برای نخستین بار، در سیر تحول شعر معاصر عرب، فرصتی برای تبادل اندیشه‌های شاعران و بیان تجربه‌های یکدیگر فراهم آمد؛

ب) این مجله، شعر را به‌عنوان پدیده‌ای مهم مطرح کرد، آن را از جنبه‌های انفعالی، توصیفی و یا حکمت رها کرد و باعث شد شعر به‌عنوان وسیله‌ای برای نگرشی رویاگونه به انسان و هستی به‌شمار آید که جهان هستی را به‌عنوان خمیرمایه در نظر می‌گیرد و ابعادش را ترسیم می‌کند.

ج) این مجله میان شعر عربی و جنبش‌های شعری غرب، پیوند برقرار کرد و شعر عربی را در سطح جهان مطرح کرد. این مسئله، اهمیت مجله را در توجه به ترجمه آشکار می‌کند.

د) برای نخستین بار، مجله شعر نشان داد شعر می‌تواند جایگاهی فراتر از اندیشه‌های سیاسی و گرایش‌های فکری داشته باشد.

ه) اعتقاد اعضای مجله شعر به ایجاد نقدی مدرن با معیارهای جدید باعث شد این مجله به نقد شعر توجهی خاص کند و از این ره‌گذر، سهمی قابل توجه در پایه‌گذاری و تبیین جنبش شعر مدرن عرب داشته باشد (سالم ابوسیف، ۲۰۰۵: ۲۵ و ۲۶ به نقل از «شعر»، ۱۹۶۸: ۸).

شایان ذکر است که مجله شعر در طول دوران فعالیتش، با مشکلاتی مواجه شد که برخی از آن‌ها به ارتباط این مجله با منتقدانش برمی‌گردد و بعضی نیز به ارتباط اعضای آن با یکدیگر. اختلاف‌های مجله با منتقدانش در زمینه‌های ایدئولوژیک روی داد و اختلاف‌های اعضای آن با یکدیگر، برسر زبان شعر بود. به‌دنبال این اختلاف‌ها، در سال ۱۹۶۴ میلادی، فعالیت‌های مجله متوقف شد؛ اما پس از سه سال، دوباره از سر گرفته شد و سرانجام، در سال ۱۹۷۰، برای همیشه پایان یافت (سالم ابوسیف، ۲۰۰۵: ۲۶؛ مهدی، ۱۹۹۸: ۶۲ تا ۶۵).

۴. جنبش فرمالیسم روس و مبانی نظری آن

نخستین نشانه‌های شکل‌گیری جنبش فرمالیسم روس، به سال ۱۹۱۴ در روسیه دیده شد (احمدی، ۱۳۸۰: ۳۸). نظریه‌پردازان، منتقدان و ادیبان بسیاری به این جنبش پیوستند و رومن یاکوبسن، بوریس آیخنباوم و ویکتور اشکلوفسکی، سه شخصیت اصلی این جریان به‌شمار می‌روند که مطالعات ادبی را به‌سوی فرم و تکنیک متمایل کردند (کالر، ۱۳۸۲: ۱۶۳). جنبش فرمالیسم روس،

مانند هر جنبش ادبی دیگر، هدف‌هایی را در حوزه ادبیات و مطالعات ادبی دنبال می‌کرد؛ اما در گام نخست، طرفداران این جنبش، در مطالعات ادبی‌شان، قبل از هر چیز، به خود شعر توجه می‌کردند. آنان در این راه، روش فرم‌گرا را برگزیدند و بدان سبب فرمالیست نامیده شدند. در اینجا باید توجه کنیم که تمرکز بر جنبه‌های فرمی متن ادبی، بدان معنا نیست که آنان هدف‌هایی اخلاقی یا اجتماعی را برای ادبیات در نظر نمی‌گرفتند (برتس، ۱۳۸۷: ۴۴)؛ بلکه چگونگی بیان هدف‌های اخلاقی، اجتماعی و سیاسی، در نظر آن‌ها اهمیت بسیار داشت.

دیدگاه‌های فرمالیست‌ها درباره این مسئله، به نوعی با بحث کارکرد ادبیات از نگاه آنان و با تحلیل گرایش‌های درون‌متنی‌شان روشن می‌شود. فرمالیست‌های روس کارکرد ارجاعی ادبیات، یعنی شیوه‌هایی را که متن ادبی با استفاده از آن‌ها، واقعیت‌های بیرون متن را به تصویر می‌کشد، نادیده گرفتند و به آن، جایگاهی مستقل بخشیدند (برتس، ۱۳۸۷: ۴۵).

از دیدگاه احمدی، دو جنبه اصلی کار فرمالیست‌های روس را می‌توان بدین صورت خلاصه کرد:

نخست اینکه آنان بر عصاره اصلی و ادبی متن تأکید می‌کردند؛ یعنی خود اثر را در نظر می‌گرفتند و می‌کوشیدند تا اجزای سازنده دلالت معنایی متن را از درون و عصاره آن بیرون بکشند و به آنچه در اثر بازتاب یافته، دست یابند.

دوم اینکه آنان برای رسیدن به این هدف‌ها، بر استقلال پژوهش ادبی تأکید می‌کردند یعنی برای برآیندهای نظری و ادبی‌ای اهمیت قائل بودند که از بررسی خود اثر به دست می‌آمد؛ نه از بررسی زمینه‌های تاریخی پیدایش اثر یا از ره‌گذر شناخت شخصیت و منش روانی مؤلف (احمدی، ۱۳۸۰: ۴۳).

بر این اساس می‌توان گفت فرمالیست‌های روس به دنبال پایه‌گذاری علمی مستقل برای مطالعات ادبی بودند که برگرفته از کیفیات درونی خود اثر ادبی باشد. این مطلب یعنی همان نگرش به اثر ادبی به عنوان یک متن مستقل.

با توجه به اینکه در زمان فعالیت فرمالیست‌های روس، علوم دانشگاهی در مجموع، از مسائل نظری دور بود و از اصول کهنه زیبایی‌شناسی، روان‌شناسی و تاریخ بهره می‌گرفت، در این زمان،

فرمالیست‌ها می‌کوشیدند تا مطالعات ادبی و بوطیقا را از نظریه‌های ذهنی^۱ زیبایی‌شناختی و فلسفی برهانند و به ادبیات و بوطیقا، از منظری عینی^۲ بنگرند (تودوروف، ۱۳۸۵: ۳۵ و ۳۶).

فرمالیست‌های روس علاوه بر توجه به استقلال اثر ادبی، بر مسئله ادبیت، به صورتی خاص اصرار می‌کردند. ازدیدگاه آنان و به‌ویژه رومن یا کوبسن، آنچه متن ادبی را از متن معمولی متمایز می‌کند، ادبیت است (الموسی، ۲۰۰۷: ۲۴۸).

آنان برای مطالعات خود در بررسی مسئله ادبیت، از ابزارهای زبان‌شناختی کمک می‌گرفتند. یاکوبسن در مقاله‌ای باعنوان «شعر جدید روسی» نوشته است ادبیت یا به عبارت دیگر، تبدیل گفتار به اثری ادبی، دست‌مایه‌ای اصلی است که زبان‌شناسی در تحلیل خود از شعر به دست می‌دهد (احمدی، ۱۳۸۰: ۴۲).

به نظر می‌رسد هدف‌های فرمالیست‌های روس و به‌ویژه توجه به فرم، آنان را به سوی زبان‌شناسی و بهره‌گیری از ابزارهای زبان‌شناختی در مطالعات ادبی سوق داده است. ازدیدگاه یاکوبسن، شعر، فرمی از زبان است که ویژگی بارز آن، جهت‌گیری به سوی خود است. شعر پیش از هر چیز به ما مجال می‌دهد تا زبان را به روشی نو بشناسیم (برتنس، ۱۳۸۷: ۴۷).

توجه به مسئله ادبیت و نقش آن در تمایز اثر ادبی از غیرادبی نیز به نوعی می‌تواند از عوامل روی آوردن فرمالیست‌های روس به ابزارهای زبان‌شناختی باشد. هنگامی که ادیبان سنتی، مطالعاتشان را به سوی تاریخ، فرهنگ و زندگی اجتماعی سوق می‌دادند، فرمالیست‌ها مطالعات خود را به سمت حوزه زبان‌شناسی کشاندند؛ زیرا زبان‌شناسی به دلیل ماده مورد مطالعه‌اش، با بوطیقا (ادبیت) اشتراک داشت و از سوی دیگر، زبان‌شناسان نیز به روش فرم‌گرا (روش کار فرمالیست‌های روس) روی آوردند (تودوروف، ۱۳۸۵: ۳۹).

با توجه به آنچه گفتیم، فرمالیست‌های روس برای زبان ادبی، اهمیت بسیار قائل بودند؛ تا بدانجا که کارشان به نوعی با مطالعه زبان شعر شروع شد؛ زیرا این جنبش، در آغاز، یعنی به سال ۱۹۱۶، محفلی را به نام «انجمن پژوهش زبان ادبی» (اُپویاز^۳) پایه‌گذاری کرد (احمدی، ۱۳۸۰: ۳۹).

-
1. Subjective
 2. Objective
 3. Opoiiaz

یکی دیگر از اصلی ترین هدف های فرمالیست های روس در مطالعات ادبی شان، تمایز میان نظام زبان شاعرانه و زبان عادی بود. آنان این تمایز را عامل اصلی تمایز اثر ادبی از غیر ادبی می دانستند (تودوروف، ۱۳۸۵: ۴۳؛ الموسی، ۲۰۰۸: ۲۴۴).

از دیگر هدف های فرمالیست های روس در مطالعاتشان، آشنایی زدایی بود. ازدیدگاه آنان و به ویژه اشکولوفسکی، وظیفه شاعر، از بین بردن نیروی عادت است و نامتعارف بودن بیان و آشنایی زدایی، گوهر اصلی و پایدار هنر به شمار می رود (احمدی، ۱۳۸۰: ۴۷ تا ۴۹).
بر اساس آنچه گفتیم، فرمالیست های روس هدف هایی چون استقلال اثر ادبی و نگاه عینی به آن، اصرار بر فرم، اهمیت زبان ادبی، توجه به مسئله ادبیت، آشنایی زدایی و تمایز زبان ادبی از زبان معیار داشته اند.

با توجه به این هدف ها و نیز این مسئله که جنبش فرمالیسم روس برخلاف مطالعات نقد ادبی در اوایل قرن بیستم - که موضوع اصلی پژوهش را در بیرون متن می جست و به مسائل جامعه شناختی، تاریخی و روان شناختی در حوزه نقد اهمیت می داد - موضوع اصلی کارش را متن و به دیگر سخن، «آنچه در متن بازتاب می یافت» قرار داد (احمدی، ۱۳۸۰: ۴۳).

بر اساس هدف های ذکر شده و اصل قراردادن متن در مطالعات ادبی از سوی این جنبش می توان گفت آنان در نظریه پردازی ها و مطالعات ادبی شان، روی کردی متن محور داشته اند؛ بر این اساس، در بخش های بعدی این پژوهش، روی کرد آن ها را در نظریه پردازی های مجله شعر، با بهره گیری از هدف های جنبش فرمالیسم روس تحلیل و اثبات می کنیم.

شایان ذکر است که این جنبش با استفاده از چنین روی کردهایی، از سال ۱۹۲۴، از سوی رهبران حزب کمونیست، مورد حمله قرار گرفت و در سال ۱۹۲۸، رهبران کمونیست، شکست آن را اعلام کردند (احمدی، ۱۳۸۰: ۴۱).

۵. مجله لبنانی شعر و روی کرد متن محور

پس از آشنایی مختصر با دو جنبش مجله شعر و فرمالیسم روس، در این قسمت، مواردی همچون استقلال متن ادبی و ارتباط آن با مسائلی مانند التزام و کارکرد شعر، ادبیت، آشنایی زدایی و تفاوت

زبان ادبی با زبان معیار را تحلیل و اثبات می‌کنیم تا از این ره‌گذر، رویکرد متن‌محور در نظریه‌پردازی‌های مجله شعر آشکار شود. همان‌گونه که پیش‌از این گفتیم، در طول پژوهش، از مبانی فرمالیسم روس، به‌عنوان چهارچوب نظری استفاده خواهیم کرد.

۱-۵: استقلال متن ادبی و رویکرد متن‌محور

پیشتر گفتیم که جنبش فرمالیسم روس پیش‌از هر چیز، به شعر و جایگاه مستقل آن توجه می‌کرد و در نظریه‌پردازی‌های خود، به‌دنبال بنیان‌نهادن علمی مستقل برپایه ویژگی‌های درونی ماده ادبی بود (برتنس، ۱۳۸۷: ۴۴؛ تودوروف، ۱۳۸۵: ۳۳). این جنبش برخلاف روش‌های نقد ادبی در اوایل قرن بیستم - که موضوع اصلی پژوهش را برون متن قرار می‌دادند و مسائل جامعه‌شناختی، تاریخی و روان‌شناختی را در نظریه‌هایشان دخیل می‌دانستند - موضوع اصلی کار خویش را درون متن قرار داد و کارکرد ارجاعی ادبیات، یعنی ارجاع به واقعیت‌ها و زندگی روزمره را کنار گذاشت و جایگاهی مستقل بدان بخشید (احمدی، ۱۳۸۰: ۴۴؛ برتنس، ۱۳۸۷: ۴۵).

هنگامی که شعر و ادب به واقعیت‌ها و زندگی روزمره ارجاع ندهد و یا با چنین نگاهی بدان پرداخته شود و در مطالعات ادبی، به ارتباط آن با حوزه‌های جامعه‌شناسی، تاریخ یا روان‌شناسی و خود مؤلف توجه نشود، جایگاهی مستقل به شعر و ادب داده شده است. این استقلال سبب می‌شود متن ادبی به‌عنوان نظام یا شبکه‌ای سامان‌یافته از رمزگان، تنها به خود ارجاع دهد. این مسئله، یک متن مستقل را رقم می‌زند و درنهایت، به گرایشی درون‌متنی و به‌دنبال آن، متن‌محور می‌انجامد.

استقلال اثر ادبی در نظریه‌پردازی‌های مجله شعر نیز دیده می‌شود. این جریان، گرایش‌هایی آزادمنشانه داشت، هرگونه ارتباط با ایدئولوژی و سیاست را نفی می‌کرد و تنها در خدمت شعر بود (سالم ابوسیف، ۲۰۰۵: ۳۱). ازدیدگاه یوسف الخال، به‌طور کلی، هنر هیچ کارکرد و رسالتی جز خود ندارد و شعر، اثری هنری است که از ساختار انداموار و وجود عینی برخوردار است و جز ذات خود، به چیزی دیگر ارجاع نمی‌دهد (الخال، ۱۹۶۳: ۵).

ادونیس به‌عنوان یکی از اعضای برجسته این جریان، جدا از اصرار بر لزوم نوآوری در شعر، شعری را که به بیان از برون متن پردازد (شعر واقع‌گرا) رد می‌کند (ادونیس، ۱۹۹۶: ۱۸).

از دیدگاه وی، واقع گرایی باعث می شود شعر برای بیان واقعیت های زندگی روزمره، به زبان معیار (هنجار زبانی) و زبان نثر نزدیک شود و این مسئله، از ادبیت متن می کاهد. درنگاه او، شعر عربی در تجربه زمانی خود، تنها زمان هایی به شکوفایی رسیده است که آشکارا از ایدئولوژی، جامعه و زندگی روزمره دور شده و جایگاهی مستقل یافته است (ادونیس، ۱۹۸۶: ۳۱۰؛ ادونیس، ۱۹۵۹: ۳؛ ادونیس، ۱۹۹۴: ۲۱۵).

همان گونه که می بینیم، ادونیس ارجاع به برون متن را عامل آسیب به ادبیت و بوطیقا می داند. درنگاه او، متن ادبی باید به خود ارجاع دهد؛ نه به حوادث و واقعیت های بیرون متن و این مطلب، همان گرایش های درون متنی و استقلال طلبانه را نشان می دهد که از ره گذر آن، روی کرد متن محور حاصل می شود.

از نظر ادونیس، اگر متن ادبی برون متن را توصیف کند، به ابزاری برای بیان آن حادثه یا واقعیت برون متن تبدیل می شود و به دنبال آن، چنین شعری با همان هدفی که خواننده می شود، سخن می گوید. این هدف ممکن است اطلاع رسانی، تربیت، سیاست و... باشد و در آن صورت، به ادبیت آن توجهی نمی شود؛ بلکه موضوع و پیام موجود در آن مورد توجه قرار می گیرد (ادونیس، ۱۹۹۶: ۱۹).

بدیهی است که ارجاع ندادن متن ادبی به ایدئولوژی، جامعه، سیاست و به طور کلی، برون متن، به گرایش های درون متنی می انجامد و استقلال متن ادبی را پدید می آورد؛ بدین صورت، متن محوری در شعر و نقد شعر آشکار می شود. در ادامه تحلیل این مطلب می توان گفت اگر متن شعر به واقعیت ها و حوادث برون متن ارجاع دهد، کارکرد شعر به کارکرد نثر نزدیک می شود و این مسئله، از ادبیت متن می کاهد. چنین مباحثی با مسئله التزام و کارکرد شعر و همچنین رویا، نیروی خیال و سوررئالیسم درنگاه این جریان پیوند می خورد که به ترتیب، آن ها را بررسی خواهیم کرد.

۱-۱-۵. التزام و کارکرد شعر

پیش از این و از ره گذر بررسی هدف‌هایی که جنبش فرمالیسم روس دنبال می‌کرد، دریافتیم که این جنبش، گرایش‌هایی استقلال‌طلبانه و آزادمنشانه دارد. بدیهی است که چنین گرایش‌هایی با مفهوم التزام به ایدئولوژی، جامعه و سیاست، سر سازش نداشتند و در نهایت، سبب سرکوبی جنبش فرمالیسم از سوی جریان سیاسی حاکم بر شوروی سابق، یعنی رهبران حزب کمونیست در سال ۱۹۲۸ شدند (احمدی، ۱۳۸۰: ۴۱).

درباره مسئله التزام از نگاه مجله شعر، بیشتر دو سؤال مطرح کردیم: نخست اینکه آیا این جریان التزام دارد یا خیر؛ دوم اینکه اگر التزام دارد، به چه چیز ملزم است و چگونه.

در پاسخ به این پرسش‌ها می‌توان گفت جنبش شعر، التزام را در معنای عرفی آن، یعنی التزام به حزب، ایدئولوژی، سیاست و جامعه را رد می‌کند و در عوض، گرایش‌های ماوراءطبیعی و فراواقعیتی از سوی این جنبش که با فردگرایی و درون‌گرایی آنان پیوند می‌خورد، مورد توجه قرار می‌گیرد. در واقع، این جنبش خود را در برابر چنین روی‌کردهایی ملتزم می‌داند.

بحث التزام مجله شعر با مفهوم و کارکرد شعر در نگاه آنان پیوند می‌خورد. ادونیس ضمن رد هرگونه کارکرد واقع‌گرایی برای شعر، بر آفرینندگی و نقش رویا و نیروی خیال در آن تأکید می‌کند (ادونیس، ۱۹۹۶: ۱۸) و منظور او از آفرینندگی، رویا و نیروی خیال در شعر، همان «نیروی است که ضمن دربرگرفتن واقعیت (دخل و تصرف در آن و بازتولید آن)، فراواقعیت را ترسیم می‌کند» (زراقت، ۱۹۹۱: ۲۱۵). درباره رویا، نیروی خیال و نقش آن، و همچنین درباره روی کرد کلی این جریان به التزام، به این سخن ادونیس بسنده می‌کنیم که «هر نوشته عظیمی به ناچار، یک نوشته سیاسی است»؛ به شرط آنکه محتوا در نهایت و در آمیزش با ساختار کلی شعر، رنگ‌وبوی سیاسی به خود گیرد (زراقت، ۱۹۹۱: ۲۸۵).

با توجه به آنچه درباره چگونگی التزام این جریان گفتیم، جریان مورد نظر، گرایشی درون‌متنی دارد و به جای اینکه واقعیت‌های برون متن را توصیف کند، آن را درون متن بازتولید می‌کند و در ساختار کلی شعر می‌آمیزد؛ در این صورت، متن به خودی خود، واقعیت و یا حتی فراواقعیت را تولید می‌کند؛ بدین شرح که در گرایش درون‌متنی و به بیان روشن‌تر، در یک متن مستقل،

آفریننده، از سیاست، جامعه یا ایدئولوژی های موجود گزارش نمی دهد؛ بلکه خود سازنده سیاست، جامعه یا ایدئولوژی مورد نظر خویش است.

ترسیم فراواقعیت یا گرایش به سوررئالیسم، ممکن است به نوعی، به گرایش درون متنی و درنهایت، متن محوری بینجامد. ازدیدگاه ادونیس، «سوررئالیسم در وجود ظاهری، فرهنگی و اجتماعی، زندان بزرگی می بیند و هدف انسان والا این است که از این زندان خارج شود» (ادونیس، بی تا: ۷۳).

از سوی دیگر و همان گونه که پیشتر گفتیم، ادونیس بر رویا و آفرینندگی در شعر اصرار می کند و شعر واقع گرا را نمی پذیرد (ادونیس، ۱۹۹۶: ۱۸). ازدیدگاه او، «رویا دراصل، وسیله ای است برای پرده برداشتن از غیب و یا همان علم به غیب و این نیرو تنها در حالت جدایی از مادیات و محسوسات، و غرق شدن در عالم ذات حاصل می شود» (ادونیس، ۱۹۹۴: ۱۴۹). ذات گرایی و غرق شدن در عالم ذات باعث می شود رویا و نیروی خیال، وارد عرصه شعر شود و جهانی فراواقع را ترسیم کند؛ زیرا «سوررئالیسم، واقعیت خارجی را نفی کرده و درصدد دگرگون سازی آن برمی آید» (ادونیس، بی تا: ۹۰ و ۲۱۸).

اگر شعر به بیان وجود ظاهری و واقعیت ها نگراید و به کمک رویا و نیروی خیال، واقعیت را در متن بازتولید کند و فراواقعیت را به تصویر کشد، گرایشی درون متنی خواهد داشت و این گرایش هم چیزی نیست جز همان روی کرد متن محور.

۲-۱-۵. تمایز زبان ادبی از زبان معیار

پیش از این دریافتیم که مجله شعر، به دنبال ترسیم فراواقعیت با بهره گیری از رویا و نیروی خیال است. در این بخش، برای اثبات روی کرد متن محور در نظریه پردازی های این جریان، ارتباط این روی کرد را با پدیده زبان ادبی و تمایز آن را از زبان معیار تحلیل می کنیم.

ازدیدگاه ادونیس، اگر شعر مدرن بخواهد از مادیات و واقعیت ها فراتر رود و به حقیقت و کنه پدیده ها روی آورد، زبان شعر باید از معانی معیار تهی شود. برپایه چنین دیدگاهی، زبان در شعر مدرن، به بیان فراتر از عادت روی می نهد (ادونیس، ۱۹۸۶: ۱۷).

اگر شعر به دنبال ترسیم فراواقعیت باشد، زبان معیار از بیان آن فراواقعیت ناتوان می‌شود؛ پس به‌ناچار باید با به‌کارگیری زبان فراتر از معیار، به این‌گونه بیان پرداخت و آن زبان، چیزی جز زبان مجاز نیست (زراقت، ۱۹۹۱: ۲۱۶).

ادونیس بر کناره‌گیری از زبان معیار در گفتار شعری تأکید کرده و این مطلب را به‌نوعی، با بحث کارکرد شعر پیوند داده است. ازدیدگاه وی، شعر واقع‌گرا، واقعیت‌ها را به‌عنوان موضوعی بیرون از متن در نظر می‌گیرد و آن‌ها را نقل می‌کند. این همان کاری است که یک سخن معمولی (زبان معیار) هم می‌تواند انجام دهد؛ اما اگر شاعر روی کرد فراواقعیتی (درون‌متنی) داشته باشد، شعر، زبانی جدید را می‌طلبد؛ در این صورت، شاعر زبان معیار را دگرگون می‌کند و به واژه‌ها معانی‌ای فراتر می‌بخشد (ادونیس، ۱۹۹۶: ۱۷۶ تا ۱۷۸).

از نظر ادونیس و در تفسیر سخن او می‌توان گفت در زبان معیار، بین کارکرد معنایی واژگان (دال) و پدیده‌ها (مدلول)، ارتباطی مستقیم وجود دارد؛ بدین شرح که پدیده‌ها با نام واقعی‌شان نامیده می‌شوند؛ اما نامیدن اشیا گاه ممکن است با استفاده از نام‌های غیر واقعی آن‌ها صورت گیرد. در این حالت، ارتباط دال و مدلول، از نوع غیرمستقیم است و این در واقع، همان چیزی است که پیشینیان، آن را مجاز نامیده‌اند. مجاز زبان را به نیرویی جدید مجهز می‌کند که پا را از محدودیت‌های زبانی، فراتر گذارد (ادونیس، ۱۹۹۴: ۲۵۰ تا ۲۵۳).

چنین روی کردهایی به تمایز زبان ادبی از زبان معیار ختم می‌شوند و همان‌گونه که پیش از این گفتیم، فرمالیسم روس نیز بر تمایز میان نظام زبان شاعرانه و زبان معیار تأکید کرده است (تودوروف، ۱۳۸۵: ۴۳).

بر این اساس می‌توان گفت بیان فراواقعیت به کمک رویا و نیروی خیال با استفاده از زبان معیار که برای بیان واقعیت‌هاست، امکان ندارد و بدین منظور، باید از زبانی مدد گرفت که توانایی بیان چنین محتوایی را داشته باشد. این زبان با زبان معیار تفاوت دارد و همان زبان مجاز است. بهره‌گیری از زبان متمایز و زبان مجاز برای بیان فراواقعیت، ابزاری است برای گرایش به درون‌متن و درنهایت، روی کرد متن‌محور.

۳-۱-۵. ادبیت و آشنایی زدایی

جنبش فرمالیسم روس بر ادبیت در متن، به عنوان عامل جداکننده متن ادبی از متن های معمولی اصرار می ورزید (برتنس، ۱۳۸۷: ۴۶). ازدیدگاه این جنبش، آنچه از یک متن معمولی، متنی ادبی می سازد، همین عنصر ادبیت است (الموسی، ۲۰۰۸: ۲۴۸). همان گونه که می بینیم، مسئله ادبیت با مسئله تمایز زبان ادبی از زبان معیار درمی آمیزد؛ بنابراین می توان از ره گذر بررسی ادبیت و کارکرد آن در تمایز زبان ادبی، روی کرد متن محور را اثبات کرد.

ادونیس معتقد است ادبیت متن ادبی، در چگونگی بیان و ساختار کلام نهفته است (ادونیس، ۱۹۹۴: ۲۴۴ و ۲۴۵). وی با بهره گیری از نظرهای عبدالقاهر جرجانی، کارکردهای کلامی را بر سه نوع اخباری، برهانی و تخیلی تقسیم کرده و ادبیت را حاصل کارکرد تخیلی زبان دانسته است (ادونیس، ۱۹۹۴: ۲۵۰ تا ۲۵۳).

وقتی ادبیت، کارکرد خیال به شمار آید که در پهنه گفتار خیالی شاعر نمود یابد، آن گفتار خیالی، زبان ادبی ای متمایز از زبان معیار است که به واسطه ادبیت موجود در آن، از زبان معیار متمایز شده است؛ بنابراین، همان گونه که گفتیم، مسئله ادبیت با مسئله تمایز زبان ادبی از زبان معیار پیوند می خورد. پیشتر روشن شد که این تمایز چگونه به روی کرد متن محور می انجامد.

کارکرد نیروی خیال به عنوان عامل ایجاد ادبیت در متن، مورد توجه فرمالیست های روس نیز بوده است؛ زیرا آنان در مسیر ایجاد تمایز بین متن ادبی و غیرادبی، معتقد بودند متن ادبی، زائیده تخیل است و این تخیل از راه دخل و تصرف در زبان حاصل می شود؛ بنابراین، از نگاه آنان، اثر ادبی بیانگر واقعیت بیرون متن نیست و به آن ارجاع نمی دهد (الموسی، ۲۰۰۸: ۲۴۳).

چنین روی کردی در اندیشه های ادونیس نیز دیده می شود. ازدیدگاه او، ارزش شعر به واقع گرا بودن آن نیست؛ بلکه به میزان توانایی اش در به کارگیری زبانی وابسته است که بیشتر بتواند فراتر از عادت (فراواقع) را بیان کند و با هسته های معنایی ماوراءطبیعی تناسب داشته باشد (ادونیس، ۱۹۹۶: ۲۱).

بی تردید، زبانی که بیشتر بتواند فراتر از عادت را بیان کند، همان زبان مجاز و به دیگر سخن، همان زبان محیل است. با توجه به آنچه گفتیم، ادونیس ادبیت متن را در گرو میزان بهره مندی شعر

از زبان مخیل برای بیان فراعادت می‌داند و از آنجا که بیان فراعادت، گرایش درون‌متنی است، می‌توان نتیجه گرفت که از دیدگاه ادونیس، ادبیت، عنصری است که در متن حاصل می‌شود. حال، این پرسش مطرح می‌شود که عنصر ادبیت، از چه راهی به دست می‌آید.

قبل از هر چیز، ذکر این نکته لازم است که آشنایی‌زدایی، اصلی‌ترین معیار ادبیت است و شعر مدرن دشوار، خلاق و آشنایی‌زدا با چنین نظریه‌پردازی‌هایی، اهمیت آشنایی‌زدایی را به عنوان اصلی‌ترین معیار ادبیت تأیید می‌کند (برتنس، ۱۳۸۷: ۴۷).

مجله شعر در نظریه‌پردازی‌های نوگرایانه خود، یکی از اصلی‌ترین هدف‌های این جنبش را درهم شکستن عادت‌ها و سنت‌های شعری دانسته است (زراقت، ۱۹۹۱: ۲۲۰). ادونیس برای تحقق ادبیت در متن، علاوه بر کناره‌گیری از زبان معیار، شرط کناره‌گیری از زبان شعر سنتی و تکراری را نیز در نظر گرفته و معتقد است این کناره‌گیری باید در لایه‌های فرمی و ساختاری صورت گیرد (ادونیس، ۱۹۹۶: ۱۹).

کناره‌گیری از زبان معیار و به طور کلی، پرهیز از تکرار در زبان و درهم شکستن عادت‌ها، گرایش‌های آشنایی‌زدا از جانب مجله شعر است و هدف از آن‌ها، آفرینش فرم و ساختاری متفاوت و هنجارگیز است برای درآمیختن با محتواها و روی‌کردهای فکری فراتر از عادت در متن و با روی‌کردی متن‌محور.

۶. نتیجه‌گیری

مجله لبنانی شعر در جریان فعالیت‌های ادبی و نقدی خود، گرایش‌های آزادمنشانه داشته است و واقع‌گرانبودن اعضای آن، به پیدایش برخی روی‌کردهای فراواقعیتی انجامیده و برای آفرینش کنش‌های ماوراءطبیعی فراهنچار در متن، استقلال متن حاصل شده است. مراد از استقلال متن آن است که متن ادبی از نشانه‌ها، واژگان، ساخت‌های نحوی تا کلیت متن، به کنش‌های فکری و معنایی موجود در عالم واقع ارجاع ندهد؛ بلکه شاعر، خود کنش‌های هنجارگیز را بیافریند. تحلیل و اثبات استقلال متن و به بیان روشن‌تر، روی‌کرد متن‌محور در چهارچوب مبانی نظری فرمالیسم روس، به عنوان جنبشی که روی‌کرد درون‌متنی و متن‌محور دارد، میسر می‌شود. در پی

تحلیل برخی مبانی نظری فرمالیسم روس، از جمله استقلال متن ادبی و ارتباط این مسئله با التزام و کارکرد شعر، تمایز زبان ادبی از زبان معیار، ادبیت و آشنایی زدایی در نظریه پردازی مجله شعر، روی کرد متن محور اثبات می شود. هنگامی که مباحث فرمالیستی مطرح شود، مسئله زبان و ساختار زبانی و کارکرد آن در آفرینش ادبیت متن، اهمیت بسیار دارد. مجله شعر همواره بر نقش زبان در آفرینش ادبیت و متن مدرن تأکید کرده است؛ زیرا آفرینش متن مستقل، با زبان و ساختار زبانی، پیوندی استوار دارد؛ به بیان ساده تر، درون گرایی شاعران مجله شعر، با گرایش های ماوراءطبیعی همراه شده است و چنین گرایش هایی به هنجارگریزی در لایه های فکری و معنایی انجامیده است؛ به گونه ای که شاعر از هنجارهای فکری و معنایی موجود که رئالیسم را پدید می آورد، فاصله گرفته و با گرایش به عالم درون، کنش های خاص خود را آفریده است. این کنش ها در فرم متن، یعنی نشانه ها، واژگان، ساخت های نحوی و ساختار متن انعکاس یافته و به آفرینش زبان و متنی هنجارگیز انجامیده است. چنین متنی، خودارجاع و خودمحور است؛ یعنی هیچ یک از اجزای متن، به بیرون متن ارجاع نمی دهند و چنین گرایش هایی باعث می شود شاعران و نظریه پردازان مجله شعر، روی کردی متن محور داشته باشند.

منابع

- احمدی، بابک (۱۳۷۰). *ساختار و تأویل متن. جلد اول: نشانه شناسی و ساختارگرایی*. تهران: نشر مرکز.
- ادونیس (۱۹۵۹). «محاولة في تعريف الشعر الحديث». شعر. سنه ۳. عدد ۱۱.
- ---- (۱۹۹۴). *الثبات و المتحول: بحث في الإبداع و الاتباع عند العرب. الجزء الرابع: الحدائنه و سلطه الموروث الشعري*. الطبع السابع. بيروت: دارالساقی.
- ---- (۱۹۸۶ الف). *زمن الشعر*. الطبع الخامس. بيروت: دارالفکر.
- ---- (۱۹۹۶ ب). *سیاسه الشعر*. الطبع الثانی. بيروت: دارالآداب.
- ---- (بی تا). *الصوفیه و السوریا لیه*. الطبع الثالث. بيروت: دارالساقی.
- اماتایس السالسی، جاک (۲۰۰۴). *یوسف الخال و مجلته شعر*. بيروت: دارالنهار بالتعاون مع المعهد الالمانی للابحاث الشرقيه فی بیروت.

- برتنس، هانس (۱۳۸۷). *مبانی نظریه ادبی*. ترجمه محمد رضا ابوالقاسمی. چاپ دوم. تهران: ماهی.
- تودوروف، تزوتان (۱۳۸۵). *نظریه ادبیات: متنهايي از فرمالیست های روس*. ترجمه عاطفه طاهایی. تهران: اختران.
- ثامر، فاضل (۱۹۸۷). *مدارات نقدیه: فی اشکالیه النقد و الحدائنه و الابداع*. بغداد: دار الشؤون الثقافیه العامه (آفاق عربیه).
- الخال، یوسف (۱۹۶۳). «مفهوم القصیده الحدیثه». شعر. سنه ۷. عدد ۲۷.
- الخضراء الجیوسی، سلمی (۲۰۰۷). *الاتجاهات و الحركات فی الشعر العربی الحدیث*. الطبع الثانی. بیروت: مرکز دراسات الوحده العربیه.
- خیربک، کمال (۱۹۸۶). *حركه الحدائنه فی الشعر العربی المعاصر: دراسه حول الاطار الاجتماعی الثقافی للاتجاهات و البنی الادبیه*. الطبع الثانی. بیروت: دارالفکر.
- زراقت، عبدالمجید (۱۹۹۱). *الحدائنه فی النقد الادبی المعاصر*. بیروت: دار الحرف العربی.
- سالم ابوسیف، ساندی (۲۰۰۵). *قضايا النقد و الحدائنه*. بیروت: المؤسسة العربیه للدراسات و النشر.
- کالر، جانانان (۱۳۸۲). *نظریه ادبی*. ترجمه فرزانه طاهری. تهران: نشر مرکز.
- الموسی، خلیل (۲۰۰۸). *جمالیات الشعریه*. دمشق: اتحاد الکتاب العرب.
- مهدی، سامی (۱۹۸۸). *افق الحدائنه و حدائنه النمط*. بغداد: دار شؤون الثقافه العامه.